



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَعَلٰی اٰلِ مُحَمَّدٍ

ضمیمہ

# پیام های آسمان

پایه هفتم

دوره اول متوسطه

ویژه اهل سنت





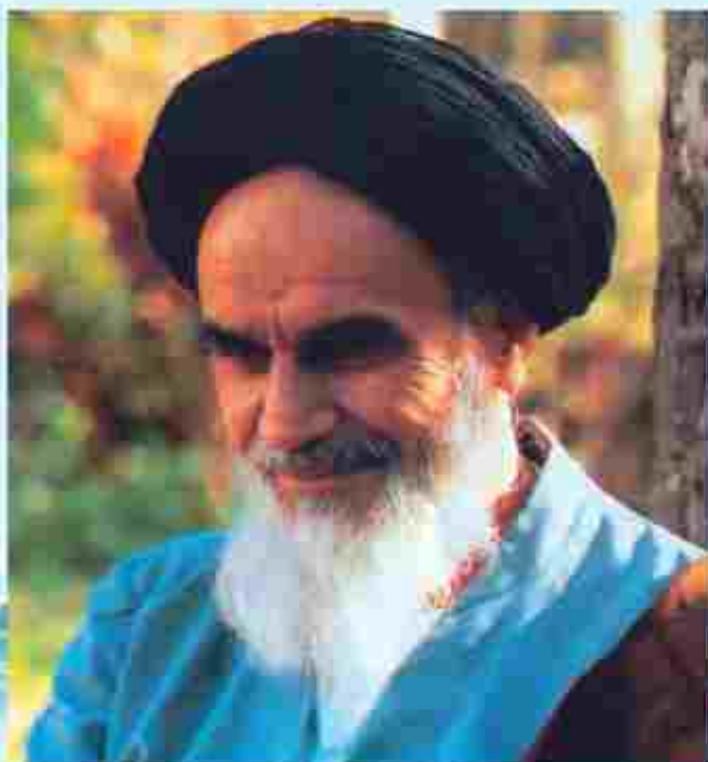
## وزارت آموزش و پرورش سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی



نام کتاب:	حسیمة پیام‌های آسمان ویژه اهل سنت - پایه هفتم دوره اول متوسطه - ۷۱۹
پدیدآورنده:	سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
مفروضه‌نامه نویسی و تألیف:	دکتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری
سلسله‌توزیع و ترجمان و تألیف:	چندر الماسی مؤلف، مولوی نذیر احمد، سلامی انالوار، محمد کاظم بهنیا، اوبر استارا
مفروضه آماده‌سازی هنری:	اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی
سلسله‌توزیع آماده‌سازی:	احمد رضا امینی (مدیر امور فن و چاپ)، مجید ذاکری (رئیس امور مدیر هنری)، محمد عباسی (طراح گرافیک)، طراح جلد: فاطمه باقری مهر، شعلا الای، بزی ایلخانلی زاده، سیده ملک‌الیزدی و حمید نابت‌گلا، چاپ (امور آماده‌سازی)
نشانی سازمان:	تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۲، آموزش و پرورش شهید موسوی، تلفن: ۸۸۸۳۶۱۶۱، دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶، کد پستی: ۱۵۸۴۷۲۷۳۵۹، وبسایت: <a href="http://www.irtextbook.ir">www.irtextbook.ir</a> و <a href="http://www.chap.sch.ir">www.chap.sch.ir</a>
ناشر:	شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران - تهران - کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۱۶۱ (دار بخت) تلفن: ۲۹۹۸۵۱۶۱، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶، صندوق پستی: ۳۷۵۱۵، ۱۳۹
چاپخانه:	شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران (شهابی خاص)
سال انتشار و نوبت چاپ:	چاپ نهم ۱۴۰۲

کلیه حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است و هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به صورت چاپی و الکترونیکی و آسانسور و دستگاه‌های مکانیکی، نمایش، اقتباس، تخریب، تقلید، ترجمه، عکس برداری، نقاشی، تهیه فیلم و تکرار به هر شکل و نوع بدون اجازت مجوز از این سازمان ممنوع است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

شابک ۲-۲۲۸۱-۰۵-۹۷۸-۹۶۲-۰۲-۲۲۰۱-۰۵-۹۶۴-۰۵-۹۷۸-۹۷۸



در جمهوری اسلامی، همه برادران سنی و شیعه در کنار هم و با هم برادری و در  
حقوق، مساوی هستند. هر کس خلاف این را تبلیغ کرد، دشمن اسلام و ایران است.  
امام حسین «جلس سرّ»

## فهرست

### فصل چهارم: راه و توشه

۶	افتخار بندگی	درس هشتم
۳	به سوی پاکی	درس نهم
۶	سئون شین	درس دهم
۱۳	نقدار جدالت	درس یازدهم

افتخار بندگی<sup>۱</sup>

استاد شدن در تمام زمینه‌ها برای انسان ممکن نیست. به همین جهت بیروی از متخصصان و صاحب‌نظران، در رشته‌های مختلف کاری بسیار عاقلانه و بستدیده است. به عنوان مثال برای مداوا باید به پزشکی که سال‌ها در این زمینه درس خوانده مراجعه کنیم. در مسائل دینی نیز همین‌طور است. به کسی که توانایی لازم را برای بیرون آوردن احکام از قرآن، سنت و... دارد، می‌جنهند می‌گویند و تلاش می‌کنند برای بیرون آوردن احکام را اجتهاد می‌نامند.

بیروی فرد غیرمجتهد از عالم مجتهد، تقلید نام دارد و به انجام‌دهنده تقلید، مقلد می‌گویند.

تقلید تصمیعی عاقلانه است که مقلد برای اطمینان از درستی اعمال دینی خود، آن را انجام می‌دهد.

باید دانست که تقلید در مسائل اعتقادی و باورهای دینی، صحیح نیست، چون هر فرد وظیفه دارد به اندازه توانش از مسائل اعتقادی آگاه شود. از طرف دیگر اعمال دینی از اعتقادات دینی سرچشمه می‌گیرد و باید هر کس برای خود دارای عقیده‌ای همراه با شناخت و باور شخصی باشد.



برخی از شرایط مجتهد عبارت‌اند از :

- ۱- تسلط بر قرآن، (یعنی احکامی که در قرآن بیان شده است.)
  - ۲- تسلط بر سنت (یعنی احکامی که در سنت بیان شده است.)
  - ۳- تسلط بر آراء و نظرات صحابه و مجتهدان در زمینه احکام
  - ۴- دانستن زبان عربی در حدی که برای درک و دریافت احکام لازم است.
- البته ایمان و پایبندی به دین و عادل بودن، لازمه کار مجتهد است و اینکه این موارد معمولاً در شرایط مجتهد ذکر نمی‌شود، به دلیل شدت آشکار بودن آنهاست.

### در باب تالیف احکام

الف) توضیح دهید از میان انواع تقلیدی که در زیر آمده، کدام درست و کدام نادرست است؟

- تقلید غیر عالم از غیر عالم

- تقلید عالم از غیر عالم

- تقلید غیر عالم از عالم و مجتهد

- تقلید عالم غیر مجتهد از عالم مجتهد

ب) با توجه به شرایطی که برای مجتهد خواندیم، به پرسش‌های زیر پاسخ دهید و درباره پاسخ صحیح توضیح دهید :

- ۱- آیا فرد غیر مجتهد می‌تواند در مسئله توحید و یگانگی خداوند، از مجتهد تقلید کند؟
- ۲- آیا می‌توان به فردی که توانایی اجتهاد دارد؛ اما پایبندی به دین و تقوا در او ضعیف است، اعتماد نمود و از وی تقلید کرد؟
- ۳- آیا تقلید مقلد از مجتهد، کاری عاقلانه و درست است؟ چرا؟

### دوری از اظهار نظر غیر عالمانه

برخی افراد بدون اطلاع و آگاهی از دستورات دین، گاهی در مسائل دینی (خصوصاً احکام) اظهار نظر می‌کنند. این کار، بسیار ناپسند است و برای آن در آخرت نیز بازخواست می‌شوند. خداوند سخن گفتن از دین را ممنوع نکرده است؛ اما از انسان‌ها می‌خواهد با علم و آگاهی و دلیل از دین سخن بگویند. مسلمان موظف است درباره موضوعی که نمی‌داند تحقیق کند؛ سپس با اخلاص و امانت‌داری درباره مسائل دینی سخن بگوید. در غیر این صورت گفتن کلمه «العی‌بانه» و سکوت کردن بر انسان واجب است. با این کار، هم ایمان فرد و هم دین خدا از خشمخوار شدن در امان می‌ماند. مطالعه و پرسش کردن از اهل علم می‌تواند توان علمی ما را بالا ببرد و بر میزان معلومات دینی ما بیفزاید.



## درس نهم

# به سوی پاکی<sup>۱</sup>

### مطهرات (پاک کننده ها)

آخرهای رنگ ورزش بود. امیر که خیلی خسته شده بود، اجازه گرفت، از بازی بیرون آمد و کنار حسین نشست. هنوز با هم احوال پرسی نکرده بودند که ناگهان نگاه حسین به آرنج دست چپ امیر افتاد و گفت: امیر از دستت خون می آید!

امیر به دستش نگاه کرد و گفت: وای؟ کی این طوری شده؟ پس چرا خودم متوجه نشدم؟ حتماً همان وقتی که برای گرفتن نوب روی زمین سرجه زدم، این طوری شد. عیبی ندارد الان درمیش می کم. او آستینش را - که خیلی خونی شده بود - بالا زد و پس دستمال نمیزی روی دستش گذاشت و گفت: حالا خوشش کم کم بند می آید.



آن شب حسین برای نماز به مسجد رفته بود. بعد از نماز امیر را هم در مسجد دید. و به او گفت: بیسم لباس خونی ات را برای نماز عوض نکردی؟

- ای بابا! مگر لباس چقدر خونی شده که به خاطرش لباسم را عوض کنم؟

- حتماً خون دست چپت را هم قبل از وضو گرفتن پاک نکرده ای؟

- یک ذره خون که نسن ندارد، تو هم خیلی سخت می گیری.

- به نظرم هم وضویت به خاطر این سهیل انگاری باطل است هم نمازت.

- چرا؟ مگر نماز و وضوی من چه اشکالی داشت؟

- به نظر من بهتر است بروم پیش آقای فروتن، امام جماعت مسجد و از او بپرسم.





آقای فروتن بعد از شنیدن حرف‌های آنان، رو به امیر کرد و گفت: پسرم برای پاک کردن چیزی که نجس است، باید مقدار دقت کنیم که رنگ و بوی آن را برطرف کنیم؛ مگر چیزهایی که معمولاً بو یا رنگ ضعیفی از آنها می‌ماند. اگر خون بر بدن جاری شود، به راحتی شسته می‌شود، و معلوم است که تو این کار را نکرده‌ای. ضمناً خوبی که بر لباست مانده، زیاد است و لباس تو نجس است و نماز خواندن با آن صحیح نیست.

— یعنی اگر کم بود اشکال نداشت؟

بله خون خود شخص، اگر در حد قطره‌ای یا به اندازه سکه‌ای باشد، نماز با آن صحیح است و لازم نیست لباس آغشته به آن شسته شود، هر چند که تسنن و برداشتن این خون هم، بهتر است. ولی خون دست و آستین تو، از این مقدار بیشتر است.

— امیر از آقای فروتن پرسید: هر چیزی که نجس می‌شود، حتماً باید با آب شسته شود تا پاک گردد؟  
— البته آب اصلی‌ترین پاک‌کننده است؛ اما، برای پاک کردن بعضی از نجاسات لازم نیست حتماً آنها را بشوییم؛ مثلاً وقتی تک کفش کسی نجس می‌شود، همین که مقدار روی زمین خشک (خاک و سنگ) راه برود و خود نجاست برطرف شود، کفش او پاک می‌شود و نیازی به تسنن ندارد. همچنین با دستمال پاک یا سنگ محل دفع ادرار و مدفوع، پاک می‌شود و لازم نیست حتماً با آب، پاک گردد. بعضی از نجس‌ها هم به شیوه‌ای مخصوص، پاک می‌گردند؛ مثلاً چیزی که توسط سنگ نجس می‌شود با تسنن تنها پاک نمی‌شود، بلکه تسنن آن شیوه خاصی دارد.<sup>۱</sup>



نجس یعنی ناپاک، در فقه اسلامی نجس یعنی چیزی که مانع صحت و درستی نماز است. به طوری که اگر نجاست با بدن یا لباس نمازگزار یا محلی که در آن نماز به جا می‌آورد، تماس داشته باشد، آن نماز صحیح نیست.

برخی از نجاسات عبارات انداز:

۱- تنهایی مشروبات و مباحات مستی‌آور.

<sup>۱</sup> شیوه نظیر وسیله نجس شده توسط سنگ را از معلم محترم خود بپرسید.



## ۲- سنگ و خوک

۳- مردار، یعنی هر حیوانی که بدون ذبح شرعی مرده باشد، در نجس بودن مردار مرقمی بین حیوانات حلال گوشت و حرام گوشت نیست، البته مرده انسان همانند زنده‌اش پاک است و ماهی مرده نیز نجس نیست.

## ۴- ادرار و مدفوع انسان و حیوان

۵- هر بخشی از بدن حیوان که در حال حیاتی از وی جدا شود نجس است (البته مو و چشم حیوانی که حلال گوشت هستند، از این موارد استثناء شده‌اند و نجس نیستند) ضمناً جزء جدا شده از انسان و ماهی نجس نیست.

۶- شیر حیواناتی که حلال گوشت نیستند، مانند الاغ و غیره، (باید دانست که شیر انسان نجس نیست.)

## بیشتر بدانیم

با توجه به اینکه دین اسلام، دین آسان‌گیری است، در صورت وجود موارد زیر بر بدن و لباس، نماز صحیح است:

- ۱- گل خیابان‌ها و معابر که اندک باشند و به لباس آغشته شود.
- ۲- چیزهای اندکی که جنم سالم آنها را نمی‌بیند؛ از قبیل ذرات اندک ادرار و چیزهای نجس اندکی که پای مگس و مورچه و جیرجیرک و حشرات دیگر به آن آلوده است و از طریق آنها به بدن یا لباس انسان برخورد می‌کند.
- ۳- فضلهٔ برندگان مساجد؛ چون معمولاً گریزی از آنها نیست.
- ۴- آب تاول و جوش‌های بدن، البته به شرطی که تغییر نکرده باشد (در صورت تغییر از حالت عادی، ناپاک و نجس است.)

## خودت را امتحان کن

- ۱- برای پاک کردن چیزهایی که نجس نده‌اند، چه باید کرد؟
- ۲- برای پاک کردن لباس یا بدنی که سنگ آن را نجس کرده، چه باید کرد؟
- ۳- آیا نماز کسی که محل دفع ادرارش را با دستمال کاغذی پاک کرده، صحیح است؟



درس دهم

## ستون دین<sup>۱</sup>

اللَّهُ أَكْبَرُ ...

اللَّهُ أَكْبَرُ ...

این صدای احسان بود که با آذان خود، همه را به نماز دعوت می کرد.  
شکیب و متین وضو گرفتند و به نمازخانه رفتند. آقای پارسا معلم درس دینی و امام جماعت مدرسه رو به بچه ها در محراب تنسته بود و با کسانی که وارد می شدند، سلام و احوال پرسی می کرد.  
متین و شکیب هم بعد از سلام و احوال پرسی با آقای پارسا، نزدیک او نشستند. متین که از دروس خسته نبوده بود، رو به شکیب کرد و گفت: «کاش می شد همین طور تنسته نمازمان را بخوانیم».  
شکیب جواب داد: خوب تنسته بخوان، این که اشکالی ندارد! پسر بزرگ من همیشه تنسته نماز می خواند؛ اگر هم شک داری از آقای پارسا پرس.

متین رو به آقای پارسا کرد و پرسید: بیخستید آقا ما می توانیم نمازمان را تنسته بخوانیم؟  
آقای پارسا در جواب گفت: ایستادن یکی از ارکان نماز است و نماز گزار باید نا حثیی که برایش امکان دارد، نمازش را ایستاده بخواند. تنها کسانی می توانند نمازیشان را تنسته بخوانند که به دلیل ناتوانی یا بیماری قادر به ایستادن در نماز نباشند (و با اینکه نمازیشان نماز فرض نیابند و نماز سنت بخوانند).

<sup>۱</sup> یک جایگزین بخش مراجعات نماز: ۲ انتهای درس.

— یعنی در نماز سنت ایستادن لازم نیست؟

— نه بسم ولی بهتر است نماز سنت را هم ایستاده بخوانیم.

— آقای یارسا! اگر کسی خسته شده باشد و بخواهد نمازی درست؛ ولی خلاصه بخواند، باید

چه کار کند؟ چون بارها دیده‌ام بعضی از بزرگ‌ترها نمازشان را بسیار طولانی می‌خوانند.

آقای یارسا گفت: برای مثال نماز صبح را شرح می‌دهم تا سؤالت را خوب جواب بدهم. بعد از

انجام دادن مقدمات نماز، ابتدا نیت می‌کند برای خستودی خداوند دو رکعت نماز صبح به جا می‌آورد.

بِسْمِ اللَّهِ اكْبِرُ می‌گوید، بعد یا حالت ایستاده و دست بسته، سوره حمد و یک سوره کامل یا چند آیه از

قرآن را می‌خواند. در ادامه یا گفتن الله اكْبِر به اندازه‌ای که دستش به زانوهایش برسد و آن را بگیرد.

خَم می‌شود و سه بار می‌گوید: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ» یا «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ»

بعد می‌ایستد و می‌گوید: «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ. رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ» وَاللَّهُ اكْبِرُ گویان به سجده

می‌رود. سپس بیست‌و‌نُه مرتبه را از زمین بلند می‌کند و الله اكْبِر می‌گوید و می‌نشیند. به حالتی که آرام

بگیرد. بعد دوباره به سجده می‌رود و ذکر سجده را سه بار تکرار می‌کند: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى» یا

«سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ»

— آقای یارسا! می‌شود به جای سه بار یک بار بگوید؟

— بله بسم، یک بار هم صحیح است. رکعت دوم را هم مانند رکعت اول می‌خواند و پس از

سجده دوم می‌نشیند و در فقه شافعی این تشهد را می‌خواند:

«التَّحِيَّاتُ — الْمُبَارَكَاتُ الصَّلَوَاتُ الطَّيِّبَاتُ — لِلَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ

وَ بَرَكَاتُهُ. السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ. أَسْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَسْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا

رَسُولَ اللَّهِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ — وَ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ»

و در مذهب حنفی این گونه می‌خواند: «التَّحِيَّاتُ لِلَّهِ، وَ الصَّلَوَاتُ وَ الطَّيِّبَاتُ، السَّلَامُ

عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ. السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، أَسْهَدُ أَنْ

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَسْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا

صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ. اللَّهُمَّ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى

آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ.»

سپس سر خود را به طرف راست برمی‌گرداند و می‌گوید: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ» و بعد

کند منظور وضو گرفتن و خواندن نماز است و وقت آن و پیشین نشستن و رو کردن به قبله است که آنها را شروط نماز می‌نامند.

سر خود را به طرف چپ برمی گرداند و می گوید: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ». یادتان باشد هر کدام از این کارها، با ترتیبی که گفته شده انجام نبود و اگر نماز سه رکعتی (مثل نماز مغرب) یا چهار رکعتی (مثل نماز ظهر) باشد، در رکعت سوم و چهارم فقط سوره حمد را می خواند. ضمناً در نماز سه رکعتی و چهار رکعتی، به ترتیب در پایان رکعت سوم و چهارم تشهد لازم است. شکیب می پرسد: آقای بارسا یعنی فرق نماز سه رکعتی و چهار رکعتی یا نماز دو رکعتی فقط همین تحواتن سوره بعد از حمد است؟

— نه عزیزم فرق دیگری هم دارد! در تشهد اول این دو نماز فقط «التَّحِيَّاتُ» را می خوانیم و در تشهد دوم (فعدة آخر) علاوه بر «التَّحِيَّاتُ»، «درودها» را نیز می خوانیم.  
— ولی من دیده‌ام بهرم در نماز صبح دستش را بعد از رکوع دوم به حالت دعا بلند می کند و دعایی می خواند.

— آفرین آن دعا را دعای قنوت می گویند که این است: «اللَّهُمَّ اهْدِنِي فِيمَنْ هَدَيْتَ، وَ عَاقِبِي فِيمَنْ عَاقَبْتَ وَ ثَوَّلْتَنِي فِيمَنْ ثَوَّلَيْتَ، وَ بَارِكْ لِي فِيمَا أَعْطَيْتَ وَ قِنِي شَرَّ مَا قَضَيْتَ، إِنَّكَ تَقْضِي وَ لَا يُقْضَى عَلَيْكَ، وَ إِلَهُ لَا يَبْدُلُ مِنْ وَالِيَّتْ وَ لَا يَعْزُزُ مِنْ عَازِيَّتْ، ثَبَاتُكَ وَرِثْنَا وَ تَعَالَيْتَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ عَلَيَّ آلِهِ وَ صَحْبِهِ وَ سَلَّمَ».

در مذهب حنفی دعای قنوت در نماز صبح خوانده نمی شود بلکه در نماز وتر بعد از نماز غشاء خوانده می شود: «اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْتَعِينُكَ وَ نَسْتَغْفِرُكَ وَ نُؤْمِنُ بِكَ وَ نَشْكُوكَ لِيَعْلَمَ عَلَيْكَ وَ نُسْنِي عَلَيْكَ الْخَيْرَ وَ نَشْكُرُكَ وَ لَا نَكْفُرُكَ وَ نَحْمَدُكَ وَ نَتَزَكَّى مِنْ يَفْجُرُكَ، اللَّهُمَّ إِنَّا كُنَّا نَعْبُدُكَ وَ لَكَ نُصَلِّي وَ نَسْجُدُ وَ إِلَيْكَ نَسْعِي وَ نَحْفَدُ وَ نَرْجُو رَحْمَتَكَ وَ نُخْشِي عَذَابَكَ، إِنَّ عَذَابَكَ بِالْكَفَّارِ مُلْحَقٌ».  
ماهان که گفت و گویی سه نفره شکیب، من و آقای بارسا را گوش می داد، گفت: آقا خواهش می کنم نماز را به صورت نمایشی بر ایمن چند بار اجرا و تمرین کنید. تا خواندن نماز فرادنی و نماز جماعت را خوب یاد بگیریم. ما هم قول می دهیم همه دعاها و اذکار نماز را حفظ کنیم.

آقای بارسا که انسانی دین دار و معلمی دلسوز و خوب است، گفت: از همین حالا این کار را شروع می کنیم، بچه ها توجه کنید! قبل از نماز جماعت می خواهم آنچه را گفته ام، با شما تمرین کنیم.

۱- الفقه الشافعی جلد ۱ ص ۱۲۶ به روایت ابو داود (۱۲۲۵) از حسن بن علی رضی الله تعالی عنهما.

در فقه شافعی اعمالی که انجام دانشبان در نماز واجب است. ارکان نماز می‌نامند، که عبارت‌اند از:

۱. نیت	۲. قیام یا توانایی در نمازهای واجب	۳. تکبیر الاحرام
۴. خواندن سوره حمد	۵. رکوع	۶. اعتدال بعد از رکوع
۷. دو سجده در هر رکعت	۸. تسبیح در بین دو سجده	۹. جلوس در رکعت آخر
۱۰. ترتیب ارکان	۱۱. تشهد در رکعت آخر	۱۲. صلوات بر پیامبر در تشهد آخر
۱۳. سلام اول		

در فقه امام ابوحنیفه (رح)، نماز رکن‌ها و واجب‌هایی دارد. ارکان نماز به اعمالی می‌گویند که در حین نماز باید انجام دهیم و چنانچه هر یک از آنها ترک شود، گرچه از روی عمد نباشد، نماز باطل می‌شود. ارکان نماز عبارت‌اند از:

۱- تکبیر الاحرام	۲- قیام
۳- قرائت (خواندن یک آیه طولانی یا چند آیه کوتاه از قرآن)	۴- رکوع
۵- دو سجده در هر رکعت	۶- جلوس در رکعت آخر
۷- خارج شدن از نماز با قصد و اراده	

واجبات نماز در فقه حنفی اعمالی هستند که انجام آنها در نماز لازم و ضروری است و اگر یکی از آنها عمدی ترک شود، نماز باطل می‌گردد و اگر به فراموشی ترک شود، در نماز نقص به وجود می‌آید و برای جبران آن باید دو سجده سهو در قعدة آخر بعد از خواندن «التحیات» انجام دهیم.

برخی از واجبات نماز عبارت‌اند از:

۱- خواندن سوره حمد در دو رکعت اول نمازهای فرض و همه رکعات نمازهای دیگر
۲- خواندن یک سوره یا سه آیه کوتاه و یا یک آیه طولانی بعد از سوره حمد در دو رکعت اول نمازهای فرض و در همه رکعات نمازهای سنت
۳- خواندن تشهد (التحیات) در هر دو قعدة

۴- تسبیح در نعت اول در نمازهای سه و چهار رکعتی
۵- آهسته خواندن حمد و سوره در نمازهای ظهر و عصر
۶- قومه ایستادن کامل بعد از رکوع
۷- جلسه (تسبیح کامل بین دو سجده)
۸- خارج شدن از نماز با گفتن السلام علیکم ورحمة الله
۹- رعایت ترتیب ارکان



بک بار دیگر صحبت‌های آقای بارسا را به دقت بخوانید و با کمک معلم خود، ارکان نماز را مطابق فقه خود مشخص کنید و زیر آن خط بکشید.

### بیشتر بدانیم

یک روز پیامبر (صلی الله علیه و علی آله) در مسجد نشسته بود. ناگهان مردی وارد شد و بر رسول الله - سلام کرد و پیامبر سلام او را جواب داد. آن مرد رو به قبله ایستاد و نماز خواند. وقتی نمازش را تمام کرد و به سوی پیامبر برگشت و سلام کرد. رسول خدا (صلی الله علیه و علی آله)، سلامش را جواب داد و فرمود: «بگرد و نماز بخوان چرا که تو نماز نخواندی» آن مرد برگشت و نماز خواند و دوباره نزد پیامبر برگشت و سلام کرد و پیامبر همان جمله را به او امر کرد که نمازش را تکرار کند. آن مرد در جواب گفت: «قسم به کسی که تو را به حق پیامبر کرده، من بهتر از این نمی دانم». رسول خدا به او فرمود: «هتکامی که برای نماز برمی خیزی، الله اکبر بگو، سپس آنچه را از قرآن برایت ممکن است (یعنی با توجه به مقدار حفظ و وقت و شرایط) قرآن بخوان. سپس با فروتنی و آرامی رکوع کن، سپس به اعتدال برگرد. سپس آرام سجده کن، بعد از آن با مناسبت بشتین. سپس بار دیگر با خشوع و آرامی سجده کن، و این روش را در کل قسمت‌های نمازت (و در تمام نمازها) در پیش گیر».

از این حدیث می توان دریافت که نماز یک حرکت ورزشی سریع نیست که با گفتن

کلماتی انجام می‌شود؛ بلکه نماز نوعی اظهار اذن و بندگی است که با حرکاتی مؤدبانه و آرام (که بندگی را بیشتر نشان می‌دهد)، انجام می‌گیرد.  
 نماز پیامبر محمدی زینا و سرشار از بندگی و محبت خداوند و فروشی و تواضع بود و صحابه جلیل او به پیروی از رسول اعظم، همین روش را در پیش گرفته بودند.

### خودت را امتحان کن

- ۱- از کتان نماز چند تا است؟ آنها را نام ببرد.
- ۲- فرق میان ارکان و غیر ارکان، در نماز چیست؟
- ۳- کدام یک از موارد زیر رکن و کدام یک غیر رکن است و هر کدام در یک نماز دورگنی چند مرتبه تکرار می‌شوند: تسبیح، رکوع، ذکر سبحان ربی العظیم و یحیی، اعتدال، ذکر شمع الله لمن حیته.

### پیشنهاد

- ۱- از نماز جماعتی که در آن شرکت می‌کنید، گزارشی تهیه کنید و آن را در کلاس برای معلم و دوستانتان بخوانید.
- ۲- در حضور معلم، امام جماعت یا پدر و مادر خود، یک نماز کامل بخوانید و از آنها بخواهید اشکالات نماز شما را برطرف کنند.



## درس یازدهم

# نماز جماعت<sup>۱</sup>

### احکام نماز جماعت

- ۱- در نماز جماعت صف‌ها باید مرتب باشد و تمانه‌ها و باها را باید به هم حساباند.
- ۲- مأموم نباید تکبیرة الاحرام را پیش از امام بگوید؛ چون این کار نماز مأموم را باطل می‌کند.
- ۳- مأموم در سایر تکبیرها (الله اکبر) و حرکات نماز (مانند رکوع و سجود) باید به دنبال امام باشد و نباید این اعمال را زودتر از امام انجام دهد.
- ۴- اگر مأموم، دیر به نماز برسد، بعد از گفتن تکبیرة الاحرام به همان قسمت نماز می‌رود که امام جماعت در آن است. ضمناً رسیدن به رکوع، یک رکعت به حساب می‌آید (رسیدن به بعد از رکوع، یک رکعت حساب نمی‌شود). بعد از سلام امام، مأمومی که دیر رسیده است، بلند می‌شود و رکعت‌های دیگر را به تنهایی می‌خواند و نمازش را تمام می‌کند.
- ۵- وقت کنیم که قبل از سلام اول امام، سلام ندهیم. این کار نماز را باطل می‌کند.

### تذکرات تکمیلی

با کمک هم گروهی‌های خود بیان کنید که در نماز جماعت کدام یک از موارد زیر را مأموم نیز باید همراه با امام جماعت بخواند:

۱- حمد؛ ۲- تشهد؛ ۳- ذکر رکوع و سجده

۱- جایگزین بخش احکام نماز جماعت با اینهای بزرگ  
همه مأموم کنیم است که در نماز جماعت به امام جماعت اقتدا می‌کنند.



- ۱- صدای مأوم باید آهسته باشد، طوری که فقط خود او متوجه آن شود و افراد کنار دستش نشوند.
- ۲- کسی که در به نماز جماعت رسیده است، باید آهسته خود را به جماعت برساند و از بلند کردن صدا و درین خودداری کند.
- ۳- بهترین صفت، صفت اول است و سپس صف‌های دیگر. ضمناً قسمت راست صفت به قسمت چپ ترجیح دارد. بهتر است عالمان و حافظان قرآن در صفت اول باشند.
- ۴- امام جماعت باید فردی قاری و آگاه به احکام دین باشد.
- ۵- باید دقت کنیم برای ادای نماز جماعت، لباس و بدنمان تمیز باشد و قبل از حضور در جماعت از خوردن سر و چیزهایی که بویشان دیگران را آزار می‌دهد، خودداری کنیم.

## قطره در دریا

— آقا اجازه! همه آمده‌اند یا شما می‌شویم سی نفر.

آقای آدابی نگاهی به ساعتش می‌کند و به آقای رائنده می‌گوید: بهتر است راه بیفتید، ممکن است دیر شود. اتوبوس راه می‌افتد، من هم مثل احمد برای اولین بار در راهپیمایی روز قدس شرکت می‌کنم. آقای آدابی لباس سفید و تمیز و مرئی پوشیده است. به او می‌گویم امروز لباس هائمان قشنگ‌تر است. — بچه سرم سنت است در روز جمعه بهترین لباس‌های خود را بپوشیم. همچنین در امروز که عید مؤمنان است غسل کردن و عطر زدن و صلوات فرستادن هم با توجه به حدیث رسول الله (صلی الله علیه و علی آله) کار پسندیده‌ای است.

حالا متوجه شدیم که آقای آدابی چه چیزی را زمزمه می‌کند. او که از هر فرصتی برای کار خیر استفاده می‌کند. قرآن کوچکی را از جیبش بیرون می‌آورد و شروع به تلاوت آن می‌کند، وی قبلاً برای ما گفته که خواندن قرآن در ماه رمضان ثواب بستری دارد. پس از چند دقیقه قرآنش را می‌بندد و می‌گوید: بچه‌ها! خواندن سوره کهف هم یکی از سنت‌های روز جمعه است.

این آخرین جمعه ماه مبارک رمضان برای من بسیار دوست داشتنی است و خوشحالم که توفیق روزه گرفتن را پیدا کرده‌ام. چیزهای تازه‌ای از آقای آدابی یاد گرفتم و تا از این جهت که این همه روزدار می‌شیم.

در پوست نمی‌کنیم، از ماشین بیاده می‌شویم، هر قدر که به محل نماز جمعه نزدیک‌تر می‌شویم، جمعیت بیشتر می‌شود. احمد هم مثل من با تعجب به این جمعیت چشم دوخته است (هر چند او سال گذشته هم در مراسم روز قدس شرکت کرده و بارها نماز جمعه خوانده است). در طول مسیر صندوق‌های کمک‌های مردم به برادران و خواهران فلسطینی را جمع‌آوری می‌کنند، چند خبرنگار هم از مردم قیلم و عکس می‌گیرند. صدای شعار مردم و نوسندهای بزرگ «فرگ بر اسرائیل» گوش و چشم ما را به خود مشغول کرده است. با ورود به محل نماز جمعه کم‌کم صدای شعارها قطع می‌شود. ما هم وارد محل می‌شویم و دو رکعت نماز تحیه المسجد می‌خوانیم.



مؤذن اذان می‌گوید، امام جمعه به جایگاه می‌آید و خطبهٔ نماز جمعه را شروع می‌کند. موضوع خطبه «عزت امت اسلامی» است. وقتی که خطبه تمام شد، می‌ایستم و به احمد می‌گویم بلند شو، الآن وقت نماز می‌شود. احمد آهسته می‌گوید: گویا فراموش کرده‌ای که نماز جمعه دو خطبه ندارد. این دو خطبه به اضافه دو رکعت نماز جمعه جایگزین نماز ظهر می‌شود. بنابراین دو خطبه جزء نماز جمعه است. در این هنگام آقای آدای که می‌پشت ما یا هم حرف می‌زنم، اشاره می‌کند که ساکت باشیم، چون موقع خواندن خطبه‌ها همه باید ساکت باشند و به خطبه‌ها گوش کنند.

امام جمعه بلند می‌شود و خطبه دوم را شروع می‌کند. پس از تمام شدن خطبه، مؤذن اقامه می‌گوید و نماز شروع می‌شود. حالا همه در صف ایستادیم. امام جمعه امر می‌کند صف‌ها را راست و مرتب کنیم و فاصله‌ها را بپندیم.

الله اکبر...

آن‌ها کم‌کم ورود به مسجد خواندن دو رکعت نماز تحیه مسجد است. آن دو رکعت را تحیه المسجد می‌گویند. عیاشی به صحابه امر کرده بود که هرگاه وارد مسجد می‌شوند، قبل از نشستن دو رکعت بخوانند. آید به سخن‌های امام جمعه قبل از اقامه نماز، خطبه می‌گویند.

## شیوه اقامه نماز جمعه

دو رکعت نماز جمعه همانند دو رکعت نماز جماعت (مثلاً نماز صبح) است. فقط فرق آن این است که پیش از نماز، دو خطبه خوانده می‌شود. امام جمعه در صورت توانایی می‌ایستد و خطبه را یا ستایش خداوند و صلوات بر پیامبر (صلی الله علیه و علی آله) و آل و اصحاب او شروع کرده و با ستایش مردم به نقوی و خواندن آیاتی از قرآن و دعا برای مؤمنان، ختم می‌کند. او در خلال مواردی که ذکر شد، بر اساس نیازهای مردم درباره مسائل عقیدتی، اخلاقی و اجتماعی، سخن می‌گوید.

## غسل جمعه

رسول خدا (صلی الله علیه و علی آله) مسلمانان را به انجام غسل در مناسبت‌های مختلفی مانند عید قربان، عید فطر و همچنین غسل در روز جمعه امر کرده‌اند.  
غسل عبارت است از شست‌وشوی تمام بدن. در اینجا با شیوه انجام غسل آشنا می‌شویم:

## روش صحیح انجام غسل

جهت نزدیکی به خداوند در دل نیت می‌کنیم و دست‌ها را تا مچ می‌شویم. اگر در بدن نجاست ظاهری وجود داشته باشد، آن را پاک می‌کنیم سپس وضوی کامل می‌گیریم؛ دهان و بینی را می‌شویم و بر سر خود آب می‌ریزم. و بعد از آن ابتدا شسته سمت راست و سپس تپه سمت چپ بدن را می‌شویم؛ به طوری که این کارها بدون فاصله و بی‌بی انجام شود و به هنگام شستن، با دست‌های خود اعضای بدن را برای زدودن چرک و آلودگی می‌شویم و باید دقت کنیم هیچ قسمتی از بدن خشک نماند. بهتر است هر یک از کارهای غسل را تا سه مرتبه انجام دهیم.

نکته: هنگام غسل کردن اسراف کردن در مصرف آب مکروه است.

۱- در میان اعمال غسل بعضی موارد فرض یا واجب و بعضی موارد سنت (مستحب) است. با کمک هم کلاسی ها و راهنمایی معلمان هر کدام را براساس فقه خود جداگانه مشخص کنید.

موارد فرض (واجب):

موارد سنت و مستحب:

۲- با مشورت در گروه های کلاسی مشخص کنید آیا بعد از غسل وضو گرفتن برای خواندن نماز لازم است؟ چرا؟

